

متن پرسش

سلام علیکم بر استاد عزیز: بنده پاسخ بسیاری از پرسش های خود را گرفتم، امیدوارم واقعا بتوانم آن را حس کنم و در راهی که شما از روح الله آدرس می دهید گام بردارم. ان شاء الله نگاه شما به سخنان مخالف بتواند بیش از پیش هنر و مهارت الهی صبر با همدیگر را در شاگردان شما پرورش دهد. استاد بنده دو سوال دیگر را خدمت شما عرض کنم تا به امید توضیحات حضرتعالی نگرش شما برای بنده شفاف تر شود. اول این که استاد، بنده با نگاه اشراقی شما به حقیقت انقلاب آشنایی اندکی دارم و به همین جهت بعد از سخنرانی مدرسه ولیعصر(عج) که فرمودید امکان این وجود دارد با انحراف خواص و به دنباله آن عوام انقلاب ما دچار سرنوشت مشروطیت شود، از شما در راه برگشت سوال کردم، این سخن را واقعا از جانب خودتان فرمودید و یا صرفا یک تشریح به طلاب بود و جواب فرمودید: «نه خیر من از قول بقیه این سخن را گفتم و باید عمق سخن امام را مورد توجه قرار داد که اگر من هم سازش کنم ملت اسلام بر نمی گردد» عرض بنده این بود، به چه جهت باید دولت اصلاحات را بعد از دولت موقت دانست؟ صرف نظر از افراد چه تفاوتی میان مرام و مبانی فکری نهضت آزادی با اصلاحات چپ هایی مثل خاتمی وجود دارد؟ کسی که با جورج سوروس دیدار آنچنانی می کند و سخن از جامعه باز و روش های ایجاد آن در ایران می زند و هزینه های تبلیغاتی خود را از آل سعود تامین می کند را باید بعد از دولت موقت دانست؟ (وقتی به مجموع اسناد دیدار خاتمی با سوروس نگاه می کنیم همدیگر را پشتیبانی می کند و قابل انکار نیست) بله رهبر معظم انقلاب در پی نجات ایشان بودند ولی خوب ایشان به قول پدر مرحومشان به شدت غرب زده اند و جز غرب نمی بینند. بنده هم معتقد به نقش والای مردم در پیشبرد اهداف انقلاب هستم. واقعا باید به همدلی و همزبانی میان دولت و ملت فکر کرد و دولتها باید خودشان را مدام با مردم ۲۲ بهمن سازگار کنند و مردم هیچ انتظار نا به جایی از دولت نداشته باشند و دولت را رفیق خود ببینند. بیشتر سوال بنده در زمینه هسته ای به این نکته برمی گشت که چگونه شما راهبرد دولت را غلط می دانید و در عین حال سیستمی که براساس آن چیده شده است را تا آن حد تایید می فرمایید که شایسته عنوان «صلح حدیبیه» می دانید. راهبرد این دولت به رسمیت شناختن نگرانی های غرب و تلاش برای رفع آن است؛ به هر حال غرب حق دارد از ما نگران باشد ما ۲۸ مرداد ۳۲ در آمریکا کودتا کردیم، ما شاه ستمگر آنها را پشتیبانی کردیم، ما علیه آنها ۸ سال جنگیدیم؛ ما به دشمنان آنها بمب شیمیایی دادیم و بدتر از آن ایران تنها استفاده کننده از سلاح هسته ای است و از این جهت باید نگرانی های آنها را در زمینه هسته ای رفع کنیم. شما قطعا و یقینا با چنین راهبردی مخالفید و از خارج کردن بهانه از دست دشمن سخن گفته اید که هیچ

تناسبی با این راهبرد دولت ندارد. در بحث راکتور اراک به عینه می توان ظهور چنین راهبردی را مشاهده کرد؛ راکتور اراک پلوتونیوم تولید می کند ولی پلوتونیوم آن به دلیل تفاوت در عدد اتمی اساساً نمی تواند در بمب اتم مورد استفاده قرار گیرد و این چیزی نیست که از لحاظ فنی بر غربی ها پوشیده باشد. در عمل در لوزان چه شد؟ به جای این که با شدیدترین سیستم نظارت موافقت کنند، قرار است قلب راکتور را دیسترویت کنند و یا صادر کنند؛ همچنان که معمر قذافی تاسیسات هسته ای اش را صادر کرد!!! در عین حال قبول کرده اند پلوتونیوم های راکتور جدید هم از کشور خارج شود؟ خوب اگر قرار باشد ما بمب بسازیم که پلوتونیوم خارج می شود و چه معنایی دارد ما پیچ و مهره های قلب راکتور را از هم باز کنیم؟ این مضحک نیست؟ استاد این راهبرد چه نسبتی با صلح حدیبیه دارد؟ پیامبر اکرم (ص) نگرانی های مشرکین را به رسمیت شناخت و یا از یک موضع برابر بهانه های مشرکین مبنی بر از دست رفتن افراد قبیله هایشان را از چنگ آنها خارج کرد و امکان ائتلاف کفار را به صفر رسانده و فرصت فرهنگی به دست آورد؟ راه حل هایی که در لوزان به دست آمد به هیچ عنوان حتی یک توافق خوب با عقلانیت ابزاری هم نیست و همچنان که ما باید برای یک مذاکره عقب نشینی های هدفمندی انجام دهیم؛ باید دستاوردهایی هم داشته باشیم. استاد به نظر حقیر باید صلح حدیبیه و ایجاد ظرفیت فرهنگی در جهان اسلام و جهان غرب را در القصیر، حمص، جرف الصخر، تکریت و قنیطره جست و جو کرد. آنجا که دست قدرت اسلام برای اولین بار در تاریخ اسلام دوگانه جعلی شیعه □ سنی را تبدیل به دوگانه حقیقی اسلام اموی □ علوی کرده است. آنجا که آمیخته شدن خون شهدای لبنانی و ایرانی به همگان نشان داده است که چیزی به نام اسلام خشن و اسلام طالبانی وجود ندارد و این همان صهیونیست ها هستند؛ نشان به نشان قنیطره، نشان به نشان حضور حزب الله در جنگ با داعش. آنجا که خون شهدای مدافع حرم نشان داده است؛ دعوایی هم اگر میان مسلمانها هست بر سر حقیقت تاریخی اهل بیت (ع) است و میان قریب به اتفاق مسلمانان در عین فضیلت بودن این خاندان اتحاد مبنایی وجود دارد. آنجا که برای اولین بار وهابیت تندروی افراطی نمی تواند خود را پشت لوای اسلام مخفی کند و باید سر ببرد و وحشی گری کند و اگر استراتژیست های هفت خط صهیونیست احتمال حضور این چینی جمهوری اسلامی را در صحنه می دادند هرگز انگاره ی ۱۵۰ ساله اسلام وهابی را این چنین ارزان در طی ۵ سال نابود نمی کردند. سعی کرده بودند اسلام هراسی را در متن جامعه غربی نهادینه کنند و در اوایل بحران سوریه نیز مسلمانان جهان تحت فشار بودند ولی الان سیر رجوع به اسلام حزب الله لبنان و سپاه قدس در حال شتاب گرفتن است. لوزان بیشتر شبیه احد است تا حدیبیه و ما دلوپسیم که هند جگر خواری هوس جگر حمزه ما را کرده باشد. دلوپسیم نکند عده ای به طمع دنیا حاضر باشند جان فرمانده کل قوا را به خطر بیاندازند؟ بیخشید استاد وقتتان را گرفتم؛ تمام این سخنان را نوشتم تا بگویم استاد دلم برای حضرت روح الله تنگ شده است، با این که او را همیشه از سیاهی بر سفیدی دیده ام و یا از سفیدی بر سیاهی. اگر نبود «ولاتیاسو من روح الله» هر آینه دق می کردم. نمی دانم چرا این قدر بهانه گیر شده ام؛ این قدر

با خودم حرف می‌زنم که صبور باش ولی صبرم طعم بغض دارد، آنچنان که مرادم هم از من گله کند که چرا دعوا می‌کنی. به آینده امیدوارم، آن سان که مطمئنم عهد، عهد انقلاب و انقلابی است ولی گلویم دیگر توان فرو بردن بغض‌هایم را ندارد. دلم به نفس‌های پر شور سید علی‌خوش است ولی سینه‌ام آرام نمی‌گیرد، تلاش می‌کنم ولی ضمیرم آرام نمی‌شود. دلم تنگ شده استاد ...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این غم مقدس شما به لطف الهی شما را آنچنان بزرگ می‌کند که از آن به بعد مجبورید تنها با رازهای سینه‌ی خود به‌سر ببرید مگر آن‌که خداوند اجازه سخن‌گفتن به شما بدهد لذا هیچ اشکالی در اصل قضیه نمی‌بینم که دولت را در مسیری نمی‌بینید که انقلاب اسلامی عزیز بنا دارد در آن مسیر وارد شود و این نشانه‌ی هوشیاری و بصیرت شما و امثال شما است. بحث بر سر آن است که ما باید آن حضوری را که خارج از محتوای بیانیه‌ی لوزان، در جهان غرب پیدا کرده‌ایم را نادیده بگیریم و به اسم آن‌که از طریق این دولت انجام شده؟ و یا جایگاه تاریخی بیانیه‌ی لوزان چیزی است از جنس انقلاب که با قاطعیت‌های مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» تحقق یافت و در مسیر محدودیت‌هایی که رهبری عزیز آن را تأکید کردند ما کار بزرگی را در این تاریخ شکل دادیم که دشمن سال‌های سال طول می‌کشد تا بفهمد ما چه کردیم و با درایت رهبری عزیز چه فرهنگی را وارد اردوگاه نظام استکباری نمودیم! دشمن کوتاه‌بین است و نمی‌فهمد مواضع ما چه بلایی بر سر او خواهد آورد وقتی هیئت تمامیت‌خواهی‌اش از طرف ما به رسمیت شناخته نشد مطمئن باشید ما آینده‌ی بسیار درخشانی خواهیم داشت وقتی با هیئت رهبری در انقلاب جلو چشمان جهانیان اُبَهِت استکباری غرب چون مومی در حال ذوب‌شدن است. هرچند پیروزی‌های از جنس حضور ما در القصیر و جرف الصخر بسیار زلال‌تر است. موفق باشید